

حکمت

امام علی (ع)

مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۱۱۵



تَقَرَّبَ عَنِ الْأَوْطَانِ فِي ظَلَمِ الْأَعْلَى وَ سَافَرَ فِي الْأَشْفَارِ خُمُشَ فَوَائِدَ: تَقَرُّجُ هِمِّ وَ اكْتِسَابُ مَعِيشَةٍ وَ عِلْمٌ وَ آدَابٌ وَ صُخْبَةٌ مَاجِدٍ؛
برای کسب مجد و عظمت از وطن خود دور شو و سفر کن که در مسافرت پنج فایده است: برطرف شدن اندوه، به دست آوردن روزی و دانش، آداب زندگی و همنشینی با بزرگان.

گزارشی از میان خاطرات رزمندگان دو عملیات در جنوب و غرب

جشن حنابندان

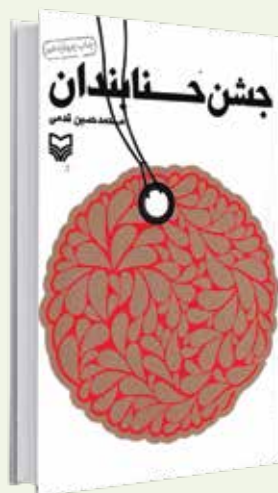
آنان را در پادگان‌ها، رزم‌های شبانه، لحظات تنهایی و راهپیمایی‌های روزانه در سرما و سختی و در غم و شادی بررسی کردیم که حاصل کار در قالب کتاب جشن حنابندان آورده شده و از آن فیلم مستند چهار قسمی «دسته ایمان» تولید و در برنامه‌های روایت فتح پخش شد. این فیلم مستند، گزارش اول کتاب جشن حنابندان را شامل می‌شود و گزارش دوم شرح مکتوب همراه با عکس و تصاویر سفر جنوب و خاطرات تلخ و شیرین زندگی با دسته ۳ از گروهان ۳ گردان حمزه سیدالشهدا لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) تا عملیات کربلای ۵ را دنبال کرده است.

محمدحسین قدمی به گفته خودش خشاب قلمش را پر از واژه و ضامن دوربین را روی رگبار «فریم» تنظیم کرده تا بتواند گوشه‌ای از خلوص، ایمان، عشق، وحدت و شهادت رزمندگان را به تصویر بکشد. در انتهای این گزارش، عکس‌هایی هم ضمیمه شده است.

خاطرات مورد استفاده نویسنده در این کتاب، اغلب کوتاه و بازبانی ساده و صمیمی بیان شده است به طوری که خواننده از خواندن آن خسته نمی‌شود؛ چراکه هر موقعیت و لحظه‌ای را دقیق و خلاصه مطرح و از شرح جزئیات اضافی پرهیز کرده است. خاطرات رزمندگان در شب‌های قبل از عملیات و شوخی‌ها و حالات و روابطی که تنها و تنها در آن موقعیت‌ها اتفاق می‌افتاد به خوبی در این گزارش‌ها به تصویر کشیده شده است.

تقریظ رهبری بر کتاب جشن حنابندان

رهبر معظم انقلاب در تقریظی بر این کتاب نوشته‌اند: «روز و شبی چند در لحظه‌های پیش از خواب، در فضایی عطرآگین و مصفا و در معراج شور و حالی که سطور و کلمات نورانی این کتاب به خواننده خود عطا می‌کند، سیر کردم و خدا را سپاس گفتم، هم بر آن قطره عشقی که در جان این نویسنده افکنده و چنین زلال اندیشه و ذوقی را بر قلم او جاری ساخته است و هم بر آن دست قدرتی که نقشی چنان بدیع و یکتا بر صفحه تاریخ معاصر پدید آورده و صحنه‌هایی که افسانه وار از ذهن و چشم بشر این روزگار بیگانه است، در واقعیت زندگی این نسل از ملت ایران نقش زده است... له الحمد حمد الحامدین ابدالابدین»



گزارش نویسی یکی از بهترین راه‌های بیان رویدادهاست. گزارشگر می‌کوشد با توصیف جزئی‌ترین موارد موجود در محل حادثه، کامل‌ترین تصویر را با ابزار کلمه ارائه کند.

کتاب «جشن حنابندان» شامل دو گزارش از دو عملیات در مناطق جنوب و غرب کشور است که محمدحسین قدمی این گزارش‌ها را از میان خاطرات رزمندگان «لشکر ۲۷ محمد رسول الله...» گردآوری کرده است.

گزارش اول کتاب در طول عملیات کربلای ۵ نوشته شده و گزارش دوم آن که مربوط به عملیات بیت المقدس ۴ و در مناطق غربی کشور و بخشی از خاک عراق است، به سفارش شهیدسیدمرتضی آوینی و برای مجموعه روایت فتح نوشته شده است.

کتاب در گزارش اول که مربوط به وقایع ۱۰ آذر تا ۹ بهمن ۱۳۶۵ است، سعی می‌کند مراحل ثبت نام و اعزام به جبهه، آماده شدن و آموزش دیدن در پادگان، نحوه آشنایی نویسنده با همزمانش، توضیحاتش از شب‌ها و روزهای اردوگاه، نامه بچه‌های دبستان به رزمندگان، شوق‌شان برای رفتن به مناطق عملیاتی و لحظه شماری برای اعزام به خط مقدم و روحیات و فضایل اخلاقی رزمندگان را گزارش کند.

در بخش دوم کتاب که مربوط به وقایع اول آذر ۱۳۶۶ تا ۱۳ فروردین ۱۳۶۷ است، نویسنده موضوعاتی همچون عملیات والفجر ۵ و اوضاع و احوال شهر حلبچه، فرماندهان و مناطق عملیاتی، آسیب دیدن چشم‌هایش، شهادت رزمندگان و وصیت‌نامه‌های‌شان و خداحافظی‌اش از جبهه را شرح داده است.

چگونگی شکل‌گیری کتاب

قدمی درباره چگونگی شکل‌گیری این اثر می‌گوید: «سال ۱۳۶۵ مسئول صفحه جبهه و جنگ روزنامه صبح آزادگان بودم.

تشویق و ترغیب دوستان نویسنده، مرا وادار به نوشتن خاطرات و گزارش‌های مستمر کرد تا جایی که توسط این نوشته‌ها با شهیدمرتضی آوینی آشنا شدم و به سفارش ایشان این مطالب در قالب کتاب «جشن حنابندان» در سال ۱۳۶۸ به چاپ اول رسید. ما دنبال دسته و گروهی در جنگ بودیم که دارای تیپ و شخصیت‌های مختلف باشند. پس از تحقیق و بررسی این گروه را در گروهانی از لشکر ۲۷ محمد رسول الله... (ص) یافتیم. کار را از خانه، مدرسه، مسجد و محل کار شروع کردیم. زندگی با

احیای سنت‌ها برای پایان به دلهره‌ها در شب چهارشنبه‌سوری



زهرا چیدری

سردبیر چاردیواری

نوروز باستانی در کشورمان با آداب و رسوم خاصی گره خورده که هرکدام از این آداب و رسوم پیشینه و فلسفه‌ای خاص و نمادین دارد. چهارشنبه‌سوری هم یکی از رسومی است که در آخرین شب چهارشنبه سال برگزار می‌شود و در این مراسم طبق یک سنت باستانی ایرانیان آتش روشن کرده و با شعار «زردی من از تو، سرخی تو از من» از روی آتش می‌پرند. قاشق‌زنی و فال گوش هم از دیگر سنت‌هایی است که در گذشته‌ای نه چندان دور در کشورمان برگزار می‌شد و اگر پای صحبت بزرگ‌ترهای خانواده بنشینید خاطراتی از برپایی این جشن سنتی را برای تان روایت خواهند کرد. جشنی که اعضای خانواده، فامیل و هم‌محلی را دور هم جمع می‌کرد و میان‌شان وفاق و همدلی بیشتری شکل می‌گرفت. طی سال‌های اخیر اما این جشن از حکمت و سنت خود فاصله گرفته و شب چهارشنبه‌سوری و حتی شب‌ها و روزهای منتهی به آن با دلهره‌ای ناتمام برای بروز حوادث ناخوشایند همراه است. حوادثی که گاهی عوارضش تا پایان عمر همراه نوجوانان و جوانانی است که در این شب با مواد محترقه و منفجره به استقبال هیجان می‌روند اما این هیجان زودگذر، گاهی وقت‌ها تبعاتی ماندگار بر سلامت آنها می‌گذارد و پایان‌پذیر نیست. با تمام این‌ها طی سال‌های اخیر، بعد از حادثه پلاسکو و مرگ ققنوس‌های عاشق در آن حادثه تلخ و دردناک، به احترام آتش‌نشانان و برای آن‌که این خدمتگزاران بی‌ریا استرس و چالش کمتری را تجربه کنند، چهارشنبه‌سوری‌های آرام‌تری داشته‌ایم و حوادث، مرگ، آتش‌سوزی و نقص عضوهای کمتری را تجربه کرده‌ایم. با تمام این‌ها حوادث شب چهارشنبه‌سوری سال همچنان ادامه دارد و همین امسال هم این حوادث از چند روز پیش آغاز شده است. روی دیگر این سکه اما برپایی سلامت چنین جشن‌ها و مراسم‌هایی است که برای این کار نیاز به هیچ خلاقیت و کار ویژه‌ای هم نیست. کافی است تا همان سنت‌های دیرینه چهارشنبه‌سوری همچون روشن کردن آتش یا قاشق‌زنی و فال گوش را احیا کنیم تا کودکان و نوجوانان مفهوم واقعی جشن چهارشنبه‌سوری را دریابند و حلاوت برپایی سنتی این جشن را بچشند. در این صورت قطعا به سراغ هیجانات کاذبی همچون درست کردن نارنجک‌های دستی، انفجار کپسول‌های گاز و کارهایی از این دست نمی‌روند؛ رفتارهایی که البته شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی هم در شکل‌گیری آن بی‌تاثیر نیست و حتی آنها را تشدید هم می‌کند. از همه بدتر این‌که قربانیان چهارشنبه‌سوزی فقط بازیگران این عرصه نیستند و خیلی وقت‌ها عابران و تماشاگران، قربانی حوادث شب چهارشنبه‌سوری می‌شوند.

خلاصه کردن ایمان و دین در احترام گذاشتن به اصول اخلاقی و انسانی

که بر آن مترتب می‌شود.

در مقدمه خاتم پیامبران این مطلب آورده شده که یگانه قدرتی که واقعا می‌تواند بر نفس حکومت کند، همان قدرت ایمان است. بعضی چنین تصویری دارند که معرفت خدا و یاد خدا بودن برای این است که انسان ایمان به خدا داشته باشد به عنوان واضع اصول انسانیت تا به اصول انسانیت احترام بگذارد. این تصور غلط است. شکی نیست که این نتیجه برای ایمان بار می‌شود و این اثر برای ایمان است اما چنین نیست که اگر فرض کنیم بشر در احترام گذاشتن به اصول انسانیت نیازی به ایمان به خدا نداشته باشد، بگوییم که ایمان به خدا فلسفه خودش را از دست می‌دهد.

استاد مطهری، انسان‌شناسی قرآن، ص ۲۱۵

مسأله ایمان به خدا، یاد خدا و تقرب به خدا (تقرب به معنای واقعی که نزدیک شدن به خداست) اصلا خودش هدف است، بلکه اساسی‌ترین هدف‌ها از نظر تعلیمات اسلامی این است و لہذا فلسفه اصلی عبادات همان تقرب به خداوند است و واقعا این‌که بنده‌ای از خانه نفس و از بیت ظلمانی طبیعت به سوی خداوند مهاجرت کند، هدف اصلی و اساسی است.

اما این‌که بر اثر این مهاجرت، اصول انسانیت هم نظم بهتری پیدا می‌کند، قطعا و قهرا این خاصیت درجه دوم است و به تعبیر حکما: اولی از قبیل غایت و هدف است و دومی از قبیل فایده و اثر. ایمان به خدا اصلا برای تقرب به خداوند است و خضوع در برابر اصول انسانیت اثر و فایده‌ای است